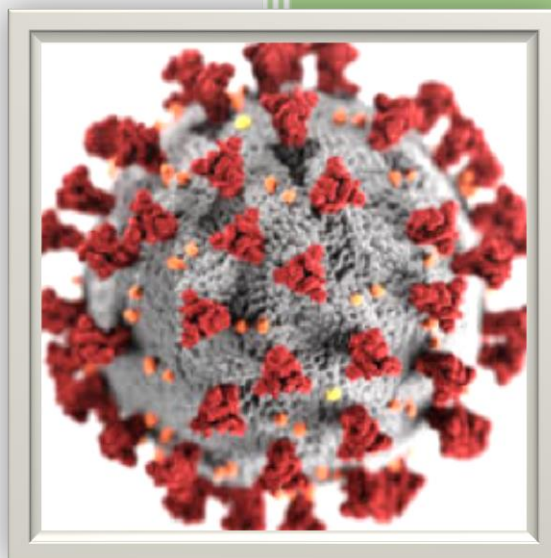


دانشگاه تربیت مدرس



دیدهبانی علمی بیماری کووید ۱۹

گزارش علمی



Scientific Report

اقتضائات پساكرونايي در ايران و بضاعت ما

دکتر جواد نيستاني

دانشيار گروه باستان‌شناسي دانشکده علوم انساني

دانشگاه تربیت مدرس

jneyestani@modares.ac.ir

فضای مجازی آمیخته از اطلاعات علمی و شبه علمی است که ممکن است باعث سردرگمی استفاده‌کنندگان شود. هدف از این سلسله مباحث علمی، ارائه اطلاعات معتبر، دارای شناسنامه و تهیه شده توسط اساتید درباره کووید ۱۹ می‌باشد.

۴ اردیبهشت ۱۳۹۹

گروه مطالعات علم و فناوری - ۷

پدیده نوظهور کووید ۱۹ با هر خاستگاه جغرافیایی و دلیل گسترش طبیعی یا آزمایشگاهی که اغلب مبتنی بر گمانه‌زنی است، اکنون مهمان ناخوانده‌ای در کشور ما و بلای جان شریف آدمی است. ما هنوز در گرماگرم پنجه درافکندن با این ویروس نوحاسته‌ایم و داوری درباره میزان تأثیرات پنهان و آشکار، ماندگاری یا گذرا بودن آن نیازمند گذشت زمان و مطالعه دقیق علمی است. مطالعات تاریخی انجام‌شده درباره این دسته از بیماری‌های همه‌گیر حتی شماری از آن‌ها که در اساطیر جهان بازتاب یافته^۱ و ذیل کتابی با عنوان “خاستگاه آگاهی در فروپاشی ذهن دو جایگاهی”^۲ منتشر شده، حاکی از اثرگذاری انکارناپذیر آن بر زندگی جمعی و فردی جوامع مختلف در اعصار گذشته و دوران معاصر است. این تأثیرات در جسم، روح، روان و اندیشه مردم چنان رسوب می‌کند که ناگزیر به تغییر در سبک زندگی و تقسیم زمان به قبل و بعد از بیماری نزد آنان می‌انجامد. درباره این باور که ویروس کرونا هم تهدید است و هم فرصت، آشکارا باید گفت که کووید ۱۹ آنگاه فرصت است که آثار تخریبی آن اندک و قابل کنترل بوده و جامعه علمی پرتوان جهانی قادر بوده باشد بی اتلاف وقت، زمان تقریبی ظهور و گستره جغرافیایی شیوع آن را پیش‌بینی کند. در پی این پیش‌بینی است که می‌توان برای کاستن از آسیب‌های ناگزیر و همه‌گیری بیماری، زمان را به سود خود نگاه داشت و تمهیداتی اندیشید و برای پیشگیری، درمان، آموزش جامعه و مقابله با ویروس برنامه‌ریزی کرد. زایش فرصت از بلا و مصیبت پیش رو که اعتماد به نفس و برنامه را درون خود دارد، دستاورد عقلانیت متکی بر پیش‌بینی علمی است؛ اما اگر این ویروسی که به جامعه انسانی راه یافته‌است، سلطه پیدا کرد، دیگر سخن از فرصت نیست که از تحمیل است. به قول “کارل تئودور یاسپرس” (۲۳ فوریه ۱۸۸۳ – ۲۶ فوریه ۱۹۶۹)، روان‌پزشک و فیلسوف اگزیستانسیالیست آلمانی در کتاب “آغاز و انجام تاریخ”^۳، علم سه خصیصه و ویژگی بارز دارد: اول، قادر به پیش‌بینی است. دوم، نظریاتش الزام‌آور و اطمینان‌بخش است و سوم، از روشی روشن و مشخص در پژوهش پیروی می‌کند. در ادامه بر اساس آنچه گفته شد، دربندهایی چند، اقتضانات پساکرونایی در ایران و بضاعت ما (جامعه علمی کشور) در مواجهه با جنبه‌هایی از تأثیرگذاری کووید ۱۹ بر جامعه‌مان را صورت‌بندی می‌کنم.

۱. بیان حقیقت

از کنفوسیوس نقل شده است که وظیفه روشنفکر، بیان صریح حقیقت به اصحاب قدرت است. به نظر می‌رسد، پارادایم اصلی نزد اصحاب قدرت در جهان طی سال‌های پیش از همه‌گیری ویروس کرونا، عمدتاً نشنیدن و فرافکنی بوده‌است؛ این در حالی است که پارادایم غالب ایام پس از کرونا، ناگزیر کردن صاحبان قدرت در جهان به شنیدن و عمل کردن، حتی با اکراه به امر ناخواسته و نامطلوبشان است. در غیر این صورت، امر محتوم برای ایشان، برکنار ماندن از نقش‌آفرینی در آینده است. آدمی گاه زمانی می‌شنود که دیگر دیر شده‌است. از همین رو، به عنوان شاگرد تاریخ

تردیدی ندارم که کرونا برای ما پیامی از آینده با خود دارد. در یک نگاه کلی، پیام آشکار و نهان این است که مسیر را باید تغییر داد.

۲. طبیعت همواره رام تازیانه ما نیست

دانشمندان در پی “عصر روشنگری”^۱ در قرن ۱۸ میلادی، مغرورانه به این نتیجه رسیدند که می‌توان با علم و فناوری بر طبیعت غلبه کرد. آنان ما را متقاعد ساختند که دیگر طبیعت رام تازیانه پژوهش‌های آزمایشگاهی و تجربه‌های بالینی است. معنای دیگر این ادعا این است که ما اجازه هر رفتاری را با طبیعت و طبعاً با خودمان داریم. ما تا بدان اندازه توانایییم که اگر رفتارمان با طبیعت و خودمان ویرانی به بار آورد، قادر به نوسازی آن هستیم. با نهایت تأسف این روش، نوع بینش و زندگی پاره‌ای از عامه مردم با دانش اندک و شماری از دانشمندان عام است. هر دو طیف قادر به درک این موضوع نیستند که منابع ذهنی ما برای ساخت مجدد جهان بسیار محدود است. گویی نمی‌دانیم که مجموع نادانسته‌های ما از عالم، بسیار بیش از دانسته‌های ما از آن است. از همین روی، به نظر می‌رسد که خصیصه مشترک مردم عام و دانشمندان عام، جهل و تکبر در گستره تاریخ است.

۳. چه باید بکنیم؟

اکنون که ویروس کووید ۱۹ همه‌گیر شده‌است، چه باید بکنیم؟ چه چیزی تسلی‌بخش نزدیکی مرگ به ما و ما به مرگ است؟ برخی برآنند که بیا باید لبخندی بزنییم و بگوییم بگذار ویروس کرونا کار خودش را بکند و ما هم در این تنگناهایی که ره‌آورد این نورسیده و مهمان ناخوانده است، در سلول‌های تنهایی‌مان که آن را قرنطینه نام نهاده‌ایم، کار خودمان را بکنیم. یا چون اشعریان بیندیشیم که آنچه مقدر است، می‌شود و یا به مانند رواقیان بنگریم که دیگر مهم نیست چه اتفاقی می‌افتد؟ چرا که برای هر پیشامدی آماده‌ایم و بدان گردن می‌نهیم. این همه عذاب برای چه؟ انتظار هر اتفاقی را باید داشت. به بیانی دیگر اهمیت دادن بیش از اندازه به زندگی و جان، خود موجب ستاندن زندگی و جان می‌شود. گاه کوشش بی‌اندازه برای نگه‌داشتن امری، در نهایت به از دست دادن آن می‌انجامد.

من با هیچ یک از گفته‌هایی که پیشتر بر شمردم همدلی ندارم. این تسلیم‌های روزگارِ مقدر و مقدرِ روزگار، هیچ‌گاه قادر نیستند به اثرهای مخربی که این بیماری برای نمونه در اقتصاد، معیشت و بیکاری عامه مردم و کارگران و رکود در کسب‌وکارها می‌گذارد، بنگرند. به تعریف‌های نوین ما از جایگاه ژئوپلیتیک در حوزه‌های تجارت، سیاست، نظام دفاعی

¹ The Age of Enlightenment

کشور، دگرگونی نظام آموزشی، بهداشت و سلامت جامعه که به ناچار روی خواهد داد، بیندیشند و برای پیامدهای آن چاره‌ای کنند.

۴. اضطراب

کووید ۱۹ به آدمی نشان داد که پیشرفت‌های شگفت‌آور علم در همه جنبه‌های دانش بشری توهم فناپذیری انسان را پدید آورده‌است. آدمی اکنون به درستی درمی‌یابد که برای ناتوان ساختن و نابودی ویروسی بسیار ریزنقش با غشایی از چربی برگرد هسته اصلی آن تا چه اندازه عاجز و به آزمون و خطا و گذشت زمانی به نسبت طولانی نیازمند است. اضطراب‌هایی که این ویروس می‌آفریند از آن روست که ناشناخته است و رفتارهایی را به ما تحمیل می‌کند، رفتارهایی که حتی لبخند و تبسم را از لبان ما می‌گریزند. آیا کووید ۱۹ به ما خواهد فهماند که زندگی مبتنی بر “انسان‌محوری” که از “عصر روشنگری” آرمان فراگیر فلسفه و چیستی زیست ما بوده بایستی به “حیات‌محوری” و احترام به همه موجودات تغییر یابد؟

۵. راه نجات

اکنون می‌دانیم که از خوش‌بین بودن و یا بدبین بودن به عاقبت این همه‌گیری چیزی عایدمان نمی‌شود. باید نظاره کرد و دید از آن کسی که می‌گوید با تکیه بر علم و فناوری این بار نیز می‌تواند بر طبیعت غلبه کند و بر آن سلطه یابد، چه کاری ساخته‌است؟ یا از این اندیشه که همه چیز درست خواهد شد و آنچه مقدر است بر ما خواهد رفت، چه بر خواهد آمد؟ گروه اول، راه چاره را به درستی در تکیه بر دانش آدمی و رفتارشناسی این ویروسِ چهره‌گردان باقابلیت جهش در خود و راه‌های مراقبت و مواجهه با آن تا دست‌یابی به درمان می‌جوید؛ و گروه دوم نیز معصومانه و با اندیشه آخرالزمانی^۴ در پی طریقی برای نجات است.

۶. اقتصاد و الگوی معیشتی

اضطراب ناشی از ناشناختگی این بیماری همه‌گیر در اقتصاد نیز رکود گسترده‌ای ایجاد می‌کند و الگوی معیشتی خاصی را تحمیل می‌سازد. این رکود و تبعات آن را اقتصاددانان بهتر تبیین می‌کنند. البته رهایی و جبران فروغلتیدن در این همه اضطراب و شوک‌های حاصل از آن به سرعت و آسانی امکان‌پذیر نیست.

۷. بحران در مدیریت

این بحران، شلختگی اندیشه و عمل برخی از رهبران سیاسی جهان و کارگزاران آنها را برملا می‌سازد و در اغلب موارد توانایی‌های آنها را به چالش می‌کشد. توانایی برای سرکوب و مرگ و میر مردم بسیار متفاوت از توانایی‌های مسندداران در ممانعت از مرگ‌ومیر دیگران و حفظ جان آنان است.

۸. تغییر در اجرای آیین‌های سوگ

ما به واقع نظاره‌گر این جهان زیبا با تمام شگفتی‌ها و رمز و رازهایش هستیم. مرگ هم برای هرکس دیر یا زود خواهد آمد. ما ناچار به کنار آمدن با این واقعیت هستیم؛ حتی در این روزها که نمی‌توانیم بنا بر الگوهای ذهنی پیشین، سنت‌های متداول سوگواری در شکل آیین‌های مختلف آن را برای احترام متوفی و بازماندگانش به جای آوریم؛ به دیگران تسلی دهیم و در این تسلی، پذیرش مرگ و اندوه‌ناگزیر از آن را آسان‌تر سازیم. تو گویی فراموشی برای ادامه زندگی نعمتی است. به راستی که قوام هستی به غفلت آدمی است.

۹. تعلیق اندیشه

در این روزگار و با این بحران‌های عظیم و پی‌درپی، تعلیق در معنای گسترده آن امری تحمیلی است که ما را با خود به محاق می‌برد و مغاکی بین ما و واقعیت‌های پیرامونمان می‌گشاید. اجازه ندهیم کووید ۱۹ اندیشه ما را به تعلیق ببرد و از تداوم تعلیق، امتناع تفکر، شیوه مرضیه ما شود. فهم دقیق “اکنون / زمان حال”، شناخت و تعریف “آینده” را آسان‌تر می‌سازد. دانایی اکنون ما نیز وامدار “گذشته” است و “آینده” همواره در حال آمدن و “حال”، شتابان درگذر و پیوستن به “گذشته” است. افق دانایی مردمان هر عصر، افق انتظارات آنان را شکل می‌دهد.

پیام نهایی

به خاطر بسپاریم که بیماری‌های مهلک و همه‌گیر، افق دانایی مردمان هر عصر را گسترده‌تر می‌کند و انتظارات آنان را بیشتر می‌سازد. از همین روی، تردیدی نیست که به زودی همه دولت‌های عاقبت‌اندیش به ارزیابی خسارت‌های وحشتناک کرونا می‌پردازند تا برای هر اتفاق غیرمنتظره‌ای آماده باشند. نگارنده بر این باور است که بضاعت اندیشه‌ای دانشوران و متخصصان ایرانی با هر نگرش علمی و سیاسی از دانشوران دیگر کشورهای جهان کمتر نیست. حال پرسش موجه این است که بضاعت اندیشمندان ما برای وضع قوانین و پیشنهاد ساز و کارهای جدید که مناسب عصر پساکرونا باشد چیست؟ و راه‌کار ارائه آن به کارگزاران کدام است؟

منابع

1. Leick, Gwendolyn, 1991, A Dictionary of Ancient Near Eastern Mythology, Routledg, London, pp.63-66.
۲. جینز، جولیان، ۱۳۹۰، خاستگاه آگاهی در فروپاشی ذهن دو جایگاهی، ترجمه خسرو پارسا و دیگران، تهران، آگه، ص ۲۴۸.
۳. یاسپرس، کارل، ۱۳۷۳، آغاز وانجام تاریخ، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران، خوارزمی، ص ۱۱۵ - ۱۱۶.
۴. آخرالزمان، اصطلاحی که در فرهنگ ادیان بزرگ دنیا دیده می‌شود و در ادیان ابراهیمی از اهمیت و برجستگی ویژه‌ای برخوردار است. عقاید مربوط به آخرالزمان بخشی از مجموعه عقایدی است که به پایان این جهان و پیدایش جهان دیگر مربوط می‌شود و ادیان بزرگ درباره آن پیشگویی‌هایی کرده‌اند. برای بررسی عقاید مسلمانان، قرابت میان اسلام و آیین یهود و مسیحیت و آگاهی از عقاید زردشتی درباره آخرالزمان بنگرید به:
- مجتهد شبستری، محمد، ۱۳۶۹، "آخرالزمان، در آیین اسلام"، دائره‌المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، جلد اول، تهران، مرکز دائره‌المعارف بزرگ اسلامی، ص ۱۳۴ - ۱۳۶؛
- مجتبایی، فتح‌الله، ۱۳۶۹، "آخرالزمان، در دین یهود"، دائره‌المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، جلد اول، تهران، مرکز دائره‌المعارف بزرگ اسلامی، ص ۱۳۶ - ۱۴۰؛
- مجتبایی، فتح‌الله، ۱۳۶۹، "آخرالزمان، مسیحیت"، دائره‌المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، جلد اول، تهران، مرکز دائره‌المعارف بزرگ اسلامی، ص ۱۴۰ - ۱۴۴؛
- تفضلی، احمد، ۱۳۶۹، "آخرالزمان، در دین زردشتی"، دائره‌المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، جلد اول، تهران، مرکز دائره‌المعارف بزرگ اسلامی، ص ۱۴۴ - ۱۴۵.